



سوره نساء مدنی است وَأَنْ يَكُ صَدٌّ وَهَفْتَادٌ
وهفت آیت و بیست و چهار رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا
وَنِسَاءً وَأَتَعَا اللَّهُ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ①

بنام خدای بخشاینده مهربان .
ای مردمان به ترسید از آن پروردگار
خویش که بیافرید شمارا از یک کس و
آفرید از آن یک کس زن اورا و منتشر
ساخت ازین دو کس مردمان بسیار و زنان
بیشمار و بترسید از آن خدا که از یکدیگر
به نام اوسوال می کنید و بترسید از قطع
خویشاوندی هر آئینه خدا هست نگاهبان
بر شما (۱) .

وَأَنْوَاعٍ يَتْلُونَ آمَوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْوَالِدِيكَ بِالظُّلْمِ
وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَانُوا
حُوبًا كَبِيرًا ②

و بدهید به یتیمان اموال ایشان را و بدل
نکنید ناپاک را به پاکیزه و مخورید اموال
ایشان را بهم آورده باموال خویش هر
آئینه این گناهی بزرگ ست (۲) .

وَأَنْ خِفْتُمْ إِلَّا تَقِيطُوا فِي الْيَمِينِ فَانكِحُوا
مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَتِلْكَ
وَرُبِعٌ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْبُدُوا فَوَاحِدَةٌ
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آدَى الْأَنْعُولُوا ③

و اگر ترسیدید که عدل نتوانید کرد
در حق دختران یتیمه پس نکاح کنید آنچه
خوش آید شمارا از سائر زنان دودو،
وسه سه، و چهار چهار، پس اگر
دانید که درین صورت نیز عدل نتوانید
کرد پس نکاح کنید یک زن رایاسریه
گیرید آنرا که مالک او شد دستهای شما این
نزدیک تراست بآنکه جور نکنید (۳) .

وَأَنْوَاعٍ صَدَقْتُهُنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ

و بدهید زنان را مهرایشان بخوشدلی و

(۱) در جاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را بنکاح خود
درمی آوردند و ایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد .

عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَرِيْرًا مَرِيْرًا ﴿٥﴾

اگر زنان در گذرند بخوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر پس بخورید آن را سازگار و خوشگوار (٤) .

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ وِيْرًا وَاَرْزُقُوْهُمْ فِيْهَا وَاكْسُوْهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوْفًا ﴿٥﴾

و مدهید بی خردان را اموال خود که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما و بخورانید و به پوشانید ایشان را از آن اموال و بگوئید بایشان سخن نیکو^(۱) (٥) .

وَابْتَلُوا الَّتِيْمٰنِي حَتّٰى اِذَا بَلَغُوا الْاِكْمٰرَ ؕ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوْا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَاْكُلُوْهَا اِسْرَاقًا وَاَيُّدِئَا اَنْ يَّكْفُرُوْا وَمَنْ كَانَ غَنِيْرًا فَلْيَسْتَغِيْفْ ؕ وَمَنْ كَانَ فَقِيْرًا فَلْيَاْكُلْ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهَدُوْا عَلَيْهِمْ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيْبًا ﴿٥﴾

و امتحان کنید یتیمان را^(۲) تا آنگاه که رسند به حدنکاح^(۳) پس اگر دریافتید از ایشان حسن تدبیر پس برسانید بایشان اموال ایشان را و بخورید آن اموال را^(۴) باسراف و شتاب از ترس آنکه بزرگ شوند و هر که باشد توانگر پس باید که پرهیزگاری کند^(۵) و هر که فقیر باشد پس باید که بخورد بوجه پسندیده پس چون رسانید بایشان اموال ایشان را گواه گیرید برایشان و بس است بحقیقت خدا حساب گیرنده (٦) .

لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدِيْنَ وَالْاَقْرَبُوْنَ ۝

مردان را حصه هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان و زنان را نیز حصه

- (۱) یعنی بر سفا هجر باید کرد و اموال ایشان که بحقیقت همه مسلمانان بآن منتفع اندی و واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نه باید ساخت والله اعلم .
- (۲) یعنی در ایام کودکی .
- (۳) یعنی بالغ شوند .
- (۴) یعنی در خردسالی ایشان .
- (۵) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشد از اموال یتیم چیزی نگیرد .

هست از آنچه بگذارند پدر و مادر و خویشان از آنچه کم باشد از مال یا بسیار حصه مقرر کرده شده^(۱) (۷) .

و چون حاضر شوند هنگام قسمت میراث خویشان^(۲) و یتیمان و گدایان پس بدهید ایشانرا چیزی از آن^(۳) و بگوئید بایشان سخن نیکو (۸) .

و باید که بترسند از خدا آنانکه اگر بگذارند بعد از خود اولاد ناتوان را خائف باشند برایشان که ضائع شوند پس باید که از خدا بترسند و باید که بگویند سخن استوار^(۴) (۹)

هر آینه آنانکه میخورند اموال یتیمان را به ظلم جزاین نیست که میخورند در شکم خویش آتش را و بزودی درآیند به دوزخ (۱۰) .

حکم می کند شمار خدا در حق اولاد شما که مرد راهست مانند حصه دوزن اگر اولاد میت همه دختر باشند بیشتر ازدو نفر پس ایشان راست دوسوم آنچه

و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ
مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ، نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ①

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِينُ فَأَرْضُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ
قَوْلًا مَّعْرُوفًا ②

وَالَّذِينَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً
ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ
وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ③

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا
يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا، وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ④

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ وَإِن لَّن
نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَهَبْنِ لَهُمَا نَصْرًا وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
النِّصْفُ وَلَا تَرَوْنَ لَهُنَّ لِجَلَ وَلَا حِجَابًا لِّمَا شَرَعْنَا وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا

(۱) یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر مال که باشد کم بود یا بسیار درین رد است بر اهل جاهلیت که زنان را حصه نمی دادند .

(۲) یعنی خویشان غیر وارث .

(۳) یعنی بطریق استحباب .

(۴) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند که اولاد را ضرر نرسد و این در شرع بمقدار يك سوم مال یا کمتر از آن است والله اعلم .

میت گذاشته است^(۱) و اگر ذریتش يك دختر باشد پس او راست نیم ترکه و هست پدر و مادر میت راهریکی را از ایشان يك ششم آنچه بگذاشته است اگر باشد میت را فرزندی، پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند پس هست مادرش را يك سوم ترکه^(۲) پس اگر باشند میت را برادران هست مادرش را يك ششم ترکه^(۳) و این تقسیم بعد از ادای وصیتی است که میت بآن فرموده یا بعد از ادای دین^(۴) پدران شما و پسران شما امید انید که کدام يك از ایشان نزدیک تر است به شما در نفع رسانیدن حصه معین کرده شد از جانب خدا هر آئینه هست خدادانای استوار کار (۱۱) .

و شمار هست نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگر نباشد ایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشد شمار است يك چهارم آنچه بگذاشته اند بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشند یا بعد از ادای دین و زنان را ست يك چهارم آنچه

كَانَ لَهُ وَلَدًا فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَرَبِيَّةٌ أَوْ جَارَةٌ لِيُؤْتِيَهُنَّ الْثُلُثُ
 فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمَّهِ الشُّدُوسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ
 يُؤْتُونَ بِهَا أَوْلَادِيْنَ أَبَاؤُهُمْ وَأَبْنَاؤُهُمْ لَاتَنَادُونَ أَنَّهُمْ أَقْرَبُ
 لَكُمْ نَفْعًا فِي رِيسَةَ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ①

وَلَكُمْ يَصْفُ مَا تَرَكُوا أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدًا فَإِنْ
 كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلِكُلِّ الرُّبُعِ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ
 يُؤْتُونَ بِهَا أَوْلَادِيْنَ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ إِنْ لَمْ يَكُنْ
 لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّلُثُ مِمَّا تَرَكْتُمْ
 مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُؤْتُونَ بِهَا أَوْلَادِيْنَ وَلَنْ كَانَ رَجُلٌ

(۱) مترجم گوید حکم دو دختر نیز ثلثان است و الله اعلم .

(۲) یعنی مابقی برای پدر است .

(۳) یعنی برادران و خواهران حصه مادر را ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابند و يك برادر و يك خواهر ناقص سازد و الله اعلم .

(۴) یعنی اگر وصیت باشند نخست ادای وصیت کنند و اگر دین باشد نخست ادای

دین کنند .

شما بگذاشتید اگر نه باشد شمارا فرزندی پس اگر باشد شمارا فرزندی پس زنان را ست يك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دین و اگر مرد مرده که از وی میراث می خواهنید یا زن مرده کلاله باشد^(۱) و او را برادری هست یا خواهری^(۲) پس هر يك از ایشان راست يك ششم ترکه پس اگر اخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم شريك اند در يك سوم ترکه بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده شده یا بعد از ادای دین بغير آنکه ضرر رساننده باشد^(۳) حکم کرده شده است از جانب خدا و خدا دانای بُردبار است (۱۲) .

این همه حدها مقرر کرده خداست و هر که فرمانبرداری کند خدا و رسول او را در آردش به بهشت هائی که میرود زیر آن جوی ها جاویدان در آن و این ست پیروزی بزرگ (۱۳) .

و هر که نافرمانی کند خدا و رسول او را و تجاوز کند از حدهای مقرر کرده او در آردش بآتش جاوید ان در آن و او راست عذاب رسواکننده (۱۴) .

آنانیکه زنا می کنند از زنان شما پس گواه

يُورَثُ كَلَّةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَةً أَوْ أَخًا فَإِكْلِ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
السُّنَّةُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ
مَنْ بَعْدَ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دِينَ عَيْرٍ مُّضَارَّةً وَوَصِيَّةً
مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾

يَلِكُ حُدُودَ اللَّهِ وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ
نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾

وَالَّذِي يَأْتِيَنَّ مِنَ الْفَاحِشَةِ مِنْ نِسَائِكُمْ

- (۱) و معنی کلاله آن ست که پدر و فرزند و برادر و خواهر تنی ندارد .
(۲) یعنی اخیافی .
(۳) یعنی وصیتی که زیاده از ثلث بود اعتبار ندارد و الله اعلم .

طلبید برایشان چهارمرد از جنس خویش^(۱) پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را درخانه ها تا آنکه عمر ایشان را تمام کند مرگ یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان راهی^(۲) (۱۵) .

وآن دوکس که زنا می کنند از شما پس آزار دهید ایشان را پس اگر توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند پس اعراض کنید از تعذیب ایشان هر آئینه خدا هست توبه پذیر مهربان^(۳) (۱۶) .

جزاین نیست که وعده قبول توبه لازم برخداست برای آن کسان که میکنند معصیت را به نادانی بعد از آن توبه کنند بزودی^(۴) پس آن گروه است که خداوند توبه و بازگشت آنان رامی پذیرد و هست خدا دانای استوارکار (۱۷) .

و نیست وعده قبول توبه آن کسان را که می کنند معاصی تا آنگاه که پیش آید کسی را از ایشان مرگ، گفت هر آئینه من توبه کردم الحال ونه آن کسان را ست که کافر بمیرند این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده (۱۸) .

فَأَسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسَكُوهُمْ فِي الْوُجُوهِ حَتَّى يَمُوتَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ⑤

وَالَّذِينَ يَأْتِيَنَّهُا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا ⑥

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ⑦

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذْ أَحْضَرْنَا لَهُمُ الْمَوْتَ قَالَ رَبِّ ارْتَدُّنَا وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ مُكْفَرُونَ أُولَئِكَ آعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ⑧

(۱) یعنی از مسلمانان .

(۲) بعد این آیت خدای تعالی راهی مقرر کرد و آن رجم . ثیب و جلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم .

(۳) این آیت مجمل است و در احادیث آمده است که بکر آزاد را صدتازیانه، باید زد و ثیب آزاد را سنگسار باید کرد و غلام را پنجاه تازیانه باید زد والله اعلم .

(۴) یعنی پیش از حضور مرگ .

ای مومنان حلال نیست شمارا آنکه میراث گیرید زنان را و ایشان ناخوش باشند^(۱) و منع مکنید ایشان را^(۲) تا بدست آرید بعضی آنچه داده اید ایشان را مگر اینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و زندگانی کنید با زنان بوجه پسندیده زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و پیدا کند خدای تعالی در آن چیز خیر بسیار (۱۹) .

و اگر بخواهید تبدیل کردن زنی بجای زنی و داده باشید یکی را از ایشان قطاری^(۳) پس باز بگیرید از آن مال چیزی را آیامی گیرید آن را به ستم و تعدی آشکار (۲۰) . و چگونه می گیرید آن را حال آنکه رسیده است بعضی شمایه بعضی^(۴) و گرفتند زنان از شما عهد محکم را^(۵) (۲۱) .

و نکاح مکنید کسی را که نکاح کرده باشند با او پدران شما از زنان مگر آنچه گذشت (عفو است) هر آئینه این هست کاربرد و مبغوض و این بدراهی است (۲۲) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِئَنْتَهُنَّ بَعْضُ مَا أَنْتَبَهُنَّ وَالْآنَ بَيِّنَاتٌ بِفَاحِشَةِ مُبَيَّنَةٍ وَعَايِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَمَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ①

وَأَنْ أَرْتُمْ أُمَّهَاتِكُمْ أَلْزَمَهُنَّ لِرَبِّهِنَّ وَأَلْزَمَهُنَّ بَعْضُ مَا أَنْتَبَهُنَّ وَالْآنَ بَيِّنَاتٌ بِفَاحِشَةِ مُبَيَّنَةٍ ②

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ بَيْتًا ③

وَأَنْتُمْ كُنْتُمْ أُمَّهَاتِكُمْ أَلْزَمَهُنَّ لِرَبِّهِنَّ وَالْآنَ بَيِّنَاتٌ بِفَاحِشَةِ مُبَيَّنَةٍ ④

إِنَّهُ كَانَ فَاخِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ⑤

- (۱) اهل جاهلیت زنان را نیز از جمله میراث می دانستند ولی میت اگر می خواست بجزیرد (نکاح خود) می آورد و اگر می خواست منع میکرد که با اجنبی نکاح کند تا آنکه حق تعالی این آیت فرستاد .
- (۲) یعنی از نکاح بهره خواهند .
- (۳) یعنی مال بسیار درمهر داده باشید .
- (۴) یعنی مباشرت کردید .
- (۵) یعنی ایجاب و قبول بحضور شهود در میان آمد .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَوْنَتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ
 وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِي وَأُمَّهَاتُكُمُ الَّتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ
 مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهُتُمْ نِسَابُكُمْ وَرَبِّبَاتُكُمْ الَّتِي فِي بُحُورِكُمْ
 مِنْ نِسَابِكُمُ الَّتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ
 فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ
 وَإِنْ تَجَمَّعُوا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ
 كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٣١﴾

حرام کرده شدند بر شما مادران شما
 ودختران شما وخواهران شما و خواهران
 پدران شما وخواهران مادران شما ودختران
 برادر ودختران خواهر و آن مادران شما که شیر
 داده اند شمارا^(۱) وخواهران شما
 از جهت شیر خواری و مادران زنان شما
 ودختران زنان شما که در کنار شما
 پرورش می یابند از بطن آن زنان که شما
 وطی کردید بایشان پس اگر وطی نکرده
 باشید بایشان پس هیچ گناه نیست بر شما
 وزنان پسران شما که از پشت شما باشند^(۲)
 وحرام کرده شد آنکه جمع کنید میان
 دوخواهر مگر آنچه گذشت (عفو است) هر
 آئینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان (۲۳) .

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ يُؤْتَيْنِ
 اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأُجْرًا لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ
 مُحْسِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَبَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ
 أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ
 الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٢﴾

وحرام کرده شدند زنان شوهر دار مگر
 آنچه مالک اوشده است دست های شما^(۳)
 لازم ساخته است خدا بر شما و حلال
 کرده شد شمارا ماسوای این همه محرمان
 (حلال کرده شد) که طلب نکاح کنید
 باموال خویش عفت طلب کنان نه به
 شهوت رانی^(۴) پس کسی که استمتاع
 کردید باوی از زنان بدهید ایشان را مهر

(۱) یعنی دایه ها .

(۲) یعنی پسر خوانده نه باشد .

(۳) یعنی اگر زنی را از دارالحرب اسیر کرده اند نکاح و تَسْرَى اوصحیح
 بُوَدهر چند آنجا زوج داشته باشد والله اعلم .(۴) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهر باشد و مؤبد باشد بحسب ظاهر زیرا که چون
 حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقد مؤبد حاصل نشود والله اعلم .

ایشان که مقرر کرده شده^(۱) و نیست بر شما گناهی در آنچه بایکدیگرراضی شدید بعد از مهر مقرر^(۲) هر آئینه خدا هست دانای استوارکار (۲۴) .

و هر که نتواند از شما از جهت توانگری که نکاح کند زنان آزاد مسلمان را پس باید که نکاح کند از آنچه مالک او شده است دست شما (مراد کنیزکان شما اند که مسلمان باشند) و خدا داناتراست بایمان شما بعضی شما از جنس بعضی است^(۳) پس نکاح کنید کنیزکان را با اجازه اهل ایشان و بدهید ایشان را مهر ایشان بخوش خوئی در حالیکه عقیقه باشند نه زناکننده نه دوست پنهانی گیرنده^(۴) پس چون در حباله زوج آمدند اگر زناکنند پس برایشان است نیم مقدار آنچه بر زنان آزاد است از عقوبت^(۵) نکاح کنیزکان کسی راست که بترسد از گناه از شما و آنکه صبر کنید بهتر است شمارا خدا آمرزنده مهربان است (۲۵) .

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَلْمْ وَمِنْكُمْ طَوْلًا لَّان يَنْبَغِيَ لَكُمْ الْمُحْصَنَاتُ الْمُؤْمِنَاتِ
فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَمِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَاتُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
بِأَيْمَانِكُمْ مِنْ بَعْضِكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَأُولَئِكَ هُمُ الْبِادُونَ
أَهْلِيهِنَّ وَالْوَاهِنُ الْجُورُ الْبَالِغُ بِالْعُرْوَةِ الْغُصْنَةِ عَيْرِ وَسُخْرِي
وَلَا تُغْنِيهِنَّ أَخْدَانٌ إِذًا أَحْصَيْنَ وَإِنْ أَرَبْنَ بِفَأَحْشَاءِ
فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ
لِأَنَّ حَيْثُ الْعَنْتَ مِنْكُمْ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَاحْتَرَبُوا
وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾

- (۱) یعنی بجماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم .
- (۲) یعنی بعد مقرر کردن اگر بتراضی زیاده یا کم کنید باک نیست والله اعلم .
- (۳) یعنی کنیزکان نیزبنات آدم اند والله اعلم .
- (۴) فارق در نکاح و اتخاذ اخدان شرط شهود است و در احصان و سفاح مؤید بودن عقد بحسب ظاهر والله اعلم .
- (۵) یعنی پنجاه تازیانه و اگر در حباله زوج نباشد نیز عقوبت او پنجاه تازیانه است زیرا که ذکر این قید بجهت نفی احتمال زیاده است و این معنی در حدیث مبین شده والله اعلم .

می خواهد خدا که بیان کند برای شما و بنماید شمارا راه های کسانی که پیش از شما بودند و برحمت بازگردد بر شما و خدادانای استوار کار است (۲۶) .

و خدا می خواهد که برحمت بازگردد بر شما و می خواهند آنانکه پیروی شهوات می کنند که کجروی کنید کجروی عظیم (۲۷) .

می خواهد خدا که سبک کند از شما و انسان ضعیف آفریده شده است (۲۸) .

ای مؤمنان مخورید اموال خود را در میان خویش بناحق^(۱) مگر اینکه آن دادستد تجارت باشد بعد رضامندی یکدیگر از شما و مکشید خویشتن را هر آئینه خدا هست به شما مهربان (۲۹) .

و هر که چنین کند به تعدی و ستم پس بزودی در آریمش به دوزخ و این بر خدا آسان است (۳۰) .

اگر احتراز کنید از کبائر منهیات نابود سازیم از شما صغائر شمارا و در آریم شمارا بمحل گرامی^(۲) (۳۱) .

و آرزوی مکنید مرتبه ای را که خداوند به آن برتری داده بعضی را از شما بر بعضی

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ الَّذِينَ مِنَ قَبْلِكُمْ وَيُوَفِّيَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۳۰﴾

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ يُبَيِّنُوا مَآرِحَ غِيظِكُمْ ﴿۳۱﴾

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿۲۸﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ يَا أَبْنَا طِيلَ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَهْتَلُوا بِنَفْسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿۲۹﴾

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا وَظَلَمًا فَمَوْفٍ نُصِيبُوه نَارًا وَاوَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۳۰﴾

إِنْ تَجْتَنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ صِغَائِرَكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا ﴿۳۱﴾

وَلَا تَسْتَوُوا مَهْضَلُ اللَّهِ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ

(۱) یعنی مال يك دیگر بناحق نباید خورد .

(۲) گناه کبیره آنست که بر آن حدمشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یا بکفر مسمی شده در قرآن یا سنت صحیحه و هر که از کبائر اجتناب کند صغائر او را نماز و روزه و صدقه نابود می سازد و الله اعلم .

مردان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و زنان راهست بهره از آنچه حاصل کرده اند و بطلید از درگاه خدا از بخشایش او هر آئینه خداهست همه چیزدانا (۳۲) .

و مقرر کردیم وارثان برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مادر و خویشان و کسانیکه ایشان را مربوط ساخته است عهدهای شما پس بدهید ایشان را بهره ایشان هر آئینه خدا هست بر همه چیز حاضر^(۱) (۳۳) .

مردان تدبیر کارکننده تسلط دارند بر زنان به سبب آنکه فضل نهاده است خدا بعض آدمیان را بر بعضی^(۲) و بسبب آنکه خرج کردند از اموال خویش پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، نگاهدارنده اند^(۳) در غیبت زوج به نگاه داشت خدا^(۴) و آن زنان که میترسید از نافرمانی ایشان پس پند دهید ایشان را و ترک کنید ایشانرا در خواب گاه^(۵) و بزیند ایشان را پس اگر فرمانبرداری شما کردند پس جستجو

مِمَّا كَتَبُوا وَاللِّسَاءُ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَسَعَوْا لِلَّهِ
مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٣٢﴾

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ
عَقَدْتُمْ آبَاءَكُمْ فَأَتَوْهُم نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

الْبِرِّجَالِ قَوْمُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى
بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَإِلَّيْهِ تُرْجَعُ كُلُّ نَفْسٍ
لِّغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّيْلِ نَسْفُوتٌ ثُمَّ رُحْمٌ يُحْطَوْنَ
وَأَهْمُجُّوهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُمْ إِنْ أَنْطَعْتَكُمْ
فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِمْ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿٣٤﴾

- (۱) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا در میراث دخل نیست و میراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم .
- (۲) یعنی بسبب آنکه مردان در اصل جبلت برتر اند از زنان .
- (۳) یعنی مال و آبرورا .
- (۴) در این آیت بیان فرمود که مرد فرمان روا است بسبب فضل جبلی و بسبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال - و آبرو - نماید والله اعلم .
- (۵) یعنی مباشرت مکنید .

مکنید برایشان را هی را^(۱) هر آئینه خداهست بلند مرتبه بزرگ قدر (۳۴) .

واگر ترسیدید (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر پس برگزینید صلاح کاری از خویشان مرد و صلاح کاری از خویشان زن اگر این صلاح کاران بخواهند صلح را البته موافقت آرد خدا در میان ایشان هر آئینه هست خدا دانای آگاه (۳۵) .

وپرستید خدارا و شریک او مقرر مکنید چیزی را و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و بخویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه اجنبی و به هم نشین برپهلوی نشسته و به مسافر و آنچه دست شما مالک اوشد^(۲) هر آئینه خدادوست ندارد کسی راکه باشد متکبر خود ستاینده (۳۶) .

کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وامی دارند و می پوشند آنچه خدا داده است ایشان را از فضل خود و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسواکننده (۳۷) .

و آنان راکه خرج می کنند اموال خود را برای نمودن مردمان و معتقد نیستند بخدا و نه بروز قیامت و هر که شیطان یار او باشد

وَأَنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ
وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۳۵﴾

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
وَالذَّوِّ الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّبْيَ وَالْحَارِثِينَ وَالْقُرْبَىٰ
وَالْحَارِثَ الْجَنَبِيَّ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ
مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿۳۶﴾

لِلَّذِينَ يَبُلُّونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ
مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ
عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۳۷﴾

وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالشَّيْطَانِ
لَهُ قَرِينًا نَسَاءً قَرِيمًا ﴿۳۸﴾

(۱) یعنی به حيله ایزدادادن تجسس مکنید و الله اعلم .

(۲) یعنی غلامان و کنیزکان .

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لِأَمْنُوا بِإِلَهِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَقَدْ آتَيْنَاهُمَا
رِزْقًا مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ يَرِيحُهُمَا ﴿٣٨﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَعِفْهَا
وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٩﴾

كَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ
عَلَى هَذِهِ الْأَشْهُدِ ﴿٤٠﴾

يَوْمَئِذٍ يُؤَذِّنُ الَّذِينَ لَكَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ سَأَلُوا
بِهِمُ الْأَرْضَ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَيَاتِنَا ﴿٤١﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَى
حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ
حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ
أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَسْتُمْ مِنَ النِّسَاءِ فَلَمْ يَجِدُوا
مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِهِمْ
وَأَيْدِيهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا ﴿٤٢﴾

پس وی بدياری است (۳۸) .
وچه زیان بود برایشان اگر ایمان
می آوردند بخدا و روز آخر و خرج
می کردند از آنچه خداداده است ایشان را
وهست خدا بایشان دانا (۳۹) .

وهر آئینه خدا ستم نمی کند وزنِ ذره
ای و اگر آن عمل نیکی باشد چند برابر
کندش و بدهد از نزد خود مزدِ بزرگ (۴۰) .
پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم ازهر
قومی گواهی را و بیاریم ترا گواه براین
امت (۴۱) .

آنروز آرزو کنند آنانکه کافر شدند
و نافرمانی پیغامبر کردند کاش برایشان
زمین هموار کرده شود^(۱) و پنهان نکنند
از خدا هیچ سخنی را (۴۲) .

ای مومنان به نماز نزدیک شوید حال
آنکه شما مست باشید تا آنکه به فهمید
آنچه بزبان می گوئید^(۲) و به نماز نزدیک
مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید
مگر آنکه مسافر باشید و اگر بیمار باشید
یا مسافر یاباید کسی از شما از جای قضاء
حاجت یا مباشرت زنان کنید و نیاید آب
را پس قصد کنید به زمین پاک پس مسح
کنید برویهای خویش و دست های
خویش هر آئینه هست خدا عفوکننده
بخشاینده (۴۳) .

(۱) یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند .

(۲) این حکم قبل از تحریم خمر بود بعد از آن مستی بالکلیه حرام شد والله اعلم .

آیانیدی^(۱) کسانیکه داده شده اند بهره ای از کتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را می خواهند که شما گم کنید راه را (۴۴).

و خدا داناتراست به دشمنان شما و خدا دوست بس است و خدایاری دهنده بس است (۴۵).

از یهود گروهی هستند که تغییر می دهند کلمه هارا از جای آن ها می گویند^(۲) شنیدیم و نافرمانی کردیم و می گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» می پیچانند سخن را بزبان خویش و طعنه می زنند در دین و اگر ایشان می گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و بجای «اسمع غیر مسمع» می گفتند و بجای «راعنا» انظرنا هر آئینه بهتری بود ایشان را و درست تر ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی^(۳) (۴۶).

ای اهل کتاب ایمان آرید بآنچه فرود آوردیم، باور کننده آنچه باشماست

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا ضِيقًا مِنَ الْكِتَابِ يُشْكِرُونَ
الضَّلَّةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَتَّخِذُوا السَّبِيلَ ﴿۳۷﴾

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا ذُو قُوَّةٍ
بِاللَّهِ تَوَكَّلْ ﴿۳۸﴾

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ
وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرُ مَسْمُوعٍ وَرَاعَيْنَا
لِيَا بَأْسَ نَسِيبَهُمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمًا
وَلَكِن لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۳۹﴾

يَأْتِيهَا الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ أَمْثَلًا تَزَالُ تَطَاوَعُ قَالَ لِمَا
مَعَلَّوْتُمْ قَبْلَ أَنْ نَنْظُرَ وَجِوهًا فَتَرُدُّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا

(۱) مترجم گوید که خدای عزوجل در ردیود و تعداد قبائح ایشان آیات فرستاد .

(۲) یعنی بزبان حال .

(۳) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سبب را چنان در کلام خلط کنند که کسی شناسد «واسمع غیر مسمع» دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم و محترمی و کسی باتو خلاف رضای تونواند گفت دیگر آنکه بشنودر حالتی که محقری و کسی باتوسخن نمی گوید وراعنا نیز دومعنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احمق رعونت دارنده غرض ایشان سبب بود کلمه محتمل معینین می گفتند واللہ اعلم .

پیش از آنکه محو کنیم صورت هایی را پس بگردانیمش بر شکل پشت سر یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل شنبه را و هست اراده خدا شدنی (۴۷) .

هر آئینه خدا نمی آمرزد که او را شریک مقرر کرده شود و می آمرزد غیر از آن هر کرا خواهد و هر که به خدا شرک ورزد هر آئینه افترا بسته است گناهی بزرگ را (۴۸) .

آیا ندیدی بسوی کسانیکه ستائش می کنند خود را بلکه خدا ستائش می کند هر کرا خواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته ای (۴۹) .

به بین چگونه می بندند برخدادروغ را و این گناه آشکار او را پس است (۵۰) .

آیا ندیدی بسوی کسانیکه بهره از کتاب داده شدند ایمان می آورند به بت و معبود باطل و می گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده تراند از مسلمانان (۵۱) .

ایشان آن گروه اند که لعنت کرد خدا ایشان را و هر که لعنت کندش خدا پس نخواهی یافت مرا و را یاری دهنده (۵۲) .

آیا ایشان راهست بهره ای از پادشاهی پس

أَوَلَمْ نَعْتَمِدْ كَمَا كَفَرُوا رَبِّي وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَعْلُومًا ﴿۴۷﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿۴۸﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ قَبِيلاً ﴿۴۹﴾

أَنْظُرْ كَيْفَ يَقْرَوْنَ عَلَى اللَّهِ الْكَيْدَ وَكُفِيَ بِهِ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿۵۰﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ﴿۵۱﴾

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ يَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿۵۲﴾

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذْ لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ

(۱) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز .

(۲) درین آیت تعریض است بآن که یهود روز احزاب مددگار مشرکان شدند .

فَقِيلَ ﴿۱﴾

آن هنگام ندهند بمردمان مقدار نقیری (۱)
(۵۳) .

ایاحسد می کنند بمردمان بر آنچه ایشان را داده است خدای تعالی ازفضل خود پس هر آئینه مادادیم آل ابراهیم را کتاب ودانش ودادیم ایشان را پادشاهی بزرگ (۵۴) .

پس ازکفار کسی هست که ایمان آوردبان کتاب و ازایشان کسی هست که باز داشت ازوی و کفایت ست دوزخ آتش افروخته (۵۵) .

هر آئینه کسانی که کافر شدند بآیات ما زود درآریم ایشان را باتش هرگاه که بچته گرددپوستهای ایشان بعوض پیداکنیم برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن تابچشدن عذاب را هر آئینه خدا هست غالب استوارکار (۵۶) .

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند زود درآریم ایشان را به بوستانهایی که میروند زیرآن جوی ها جاویدان آنجاهمیشه ، ایشان راست آن جا زنان پاک کرده شده و درآریم ایشان را بسایه نیک (یعنی راحت تمام) (۵۷) .

هر آئینه خدا می فرماید شمارا که اداکنید امانت هارا به اهل آن ومیفرماید که براستی حکم کنید چون حاکم شوید میان

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؟ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿۱﴾

فَيُنهَوْنَ عَنْ آمْنٍ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّقَهُ وَكُنِيَ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿۱﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا أَيُّهَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَأْتِيهِمْ نَضُجَاتٍ مُصَيَّبَاتٍ جُلُودُهُمْ بِكَ لَنُحْمَرُهُنَّ جُلُودًا غَيْرَهَا يَبْدُونَ فَوَاللَّعَنَآبِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا جَنَّاتٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ لَا يَحْزَنُونَ ﴿۱﴾

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذْ أَخَذْتُم مِّنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۱﴾

(۱) نقیرغلاف نازکی است که برپشت خسته خرما می باشد .

مردمان هر آئینه نیکو چیز است آنچه خدایان پند میدهد شمارا هر آئینه خدا هست شنوای بینا^(۱) (۵۸) .

ای مومنان فرمانبرداری کنید خدارا و فرمانبرداری کنید پیغامبر را و فرمانروایان را از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس برگردانید اورا بسوی خدا و پیغامبر اگر اعتقاد دارید بخدا و روز آخرت این بهتر است و نیکوتر باعتبار عاقبت^(۲) (۵۹) .

آیندیدی بسوی کسانی که گمان می کنند که ایمان آوردند بآنچه بسوی تو نازل کرده شده است و بآنچه پیش از تو نازل کرده شد، می خواهند که قضایای خویش رفع کنند بسوی سرکش و حالانکه فرموده شد ایشان را که منکر وی شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور (۶۰) .

و چون گفته شود بایشان بیاید بسوی آنچه نازل کرده است خدا و بسوی پیغامبر می بینی منافقان را باز می ایستند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّيعُوا اللَّهَ وَاطِّيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٨﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا كَمَا فِي الظَّالِمِينَ وَكَذَلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يُفَكَّرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٥٩﴾

وَإِذْ أَيْدِيَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُتَفِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦٠﴾

(۱) درین آیت اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه ازدست وی گرفتند و مردمان آن را از حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آنحضرت قبول نموده بعثمان رد فرمود .

(۲) مردم ضعیف الایمان در خلاف هوای نفس بحکم شرع راضی نمی شدند و گاهی بکاهنان و رؤیسان کفر رجوع می کردند چون آنحضرت ایشان را براین معنی تمیز یا تهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

از توباعراض (۶۱) .

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان پس هرگاه بیایند نزد تو قسم می خورند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری و موافقت کردن را^(۱) (۶۲) .

این گروه آنانند که می داند خدا آنچه در دل های ایشان است پس اعراض کن از ایشان^(۲) و پندده ایشان را و بگو بایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان (۶۳) .

و نه فرستادیم هیچ پیغامبری را مگر برای آنکه اطاعت کرده شود بحکم خدا و اگر این جماعت وقتیکه ستم کردند بر خویشان می آمدند نزد تو پس آموزش طلب می کردند از خدا و طلب آموزش کرد برای ایشان پیغمبر هر آئینه می یافتند خدارا توبه پذیر مهربان (۶۴) .

پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نه باشند تا آنکه حاکم کنند ترادراختلافی که واقع شد میان ایشان باز نیابند در دلهای خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی و قبول کنند بانقیاد (۶۵) .

و اگر ماسمی نوشتیم^(۳) برایشان که بکشید خویشان را یا بیرون شوید از خانه های

فَكَيْفَ إِذَا آصَابَهُمْ مُصِيبَةٌ لِّمَا فَعَلْتُمْ أَيُّدِيَهُمْ
ثُمَّ جَاءَهُمْ أَنْ يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا أَحْسَنًا
وَتَوْفِيقًا ﴿٦١﴾

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَخْلِكُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ
وَاعْظَمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٢﴾

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ
إِذْ كَلَّمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ
لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٣﴾

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُخْرِبُوا بُيُوتَهُمْ فَيَكُونُوا
بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَشْعُرُونَ بِمَا كَفَرُوا بِمَا كَفَرُوا
وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٤﴾

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا

(۱) یعنی مردمان خصوم .

(۲) یعنی از قتل ایشان .

(۳) یعنی واجب می کردیم .

مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ
فَعَلُوا مَا وَعَدُوا غَدُونَ بِهِ لَكَانَ غَيْرَ آلِهِمْ وَأَشَدَّ تَبِيئًا ﴿٦٥﴾

وَإِذْ آتَيْنَهُمْ مِنَ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٦﴾

وَأَهْدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٦٧﴾

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ
اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
وَحَسَنَ أُولَٰئِكَ رَافِقًا ﴿٦٨﴾

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٦٩﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اخذوا حُرْمَتَكُمْ فَاذَرُوا
نُبَاتٍ أَوْ ائْتَرُوا جَمِيعًا ﴿٧٠﴾

وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ كَيْبُطٌ ۖ فَإِنْ أَصَابَكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا
فَدَا نَعْمَ اللَّهُ عَلَىٰ إِذْنِهِمْ أَلَمْ كُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧١﴾

وَلَمِنْ أَصَابَكُمْ فُضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَن لَّمْ
يَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَأْتِيْتُنِي كُنْتُ مَعَهُمْ

خویش نمی کردند این کار را مگر
اندکی از ایشان و اگر می کردند آنچه بآن
پند داده می شدند هر آئینه بهتر بودی
ایشان را و محکم تر در استواری دین (۶۶).
و آنگاه البته می دادیم ایشان را از نزد
خویش مزد بزرگ (۶۷).

و هدایت می کردیم ایشان را براه راست
(۶۸).

و هر که فرمان برد خدا و رسول را پس این
جماعت همراه آن کسانی که انعام کرده
است خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان
و شهیدان و صالحان و چه خوبند
آنها از جهت رفاقت (۶۹).

این بخشایش از خداست و بس ست خدا
دانا^(۱) (۷۰).

ای مسلمانان برگزید سلاح خود را پس
بیرون روید گروه گروه شده یا بیرون روید
همه با هم (۷۱).

و هر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ
می کند پس اگر برسد به شما مصیبتی
بگوید انعام کرد خدا بر من چون نبودم
حاضر بایشان (۷۲).

و اگر به رسد به شما نعمتی از خدا البته
بگوید گویا هرگز نبود میان شما و میان

(۱) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده بود دعوت
اسلام قبول نمودند و چون جهاد فرض شد از آن تقاعد کردند و از بعضی کلمات
منافقانه سر بر می زد و بعضی با مخالفین هم زبان شده خلاف رضای آنحضرت رای
می دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

فَأُحْزِرُ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۳﴾

وی دوستی کاش می‌بودم با ایشان پس می‌یافتم مطلب بزرگ را (۷۳) .

پس باید که جنگ کنند در راه خدا آن مومنان که می‌فروشدند زندگانی دنیارا با آخرت و هر که جنگ کند در راه خدا پس کشته شود یا غالب آید بدهیمش مزد بزرگ را (۷۴) .

و چیست شمارا که جنگ نمی‌کنید در راه خدا و برای بیچارگان از مردان و زنان و کودکان^(۱) آنانکه می‌گویند ای پروردگار ما بیرون آرمارا ازین ده که ستمگارانند اهل آن و مقررکن برای ما از نزد خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزد خودیاری دهنده (۷۵) .

مومنان می‌جنگند در راه خدا و کافران می‌جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستانِ شیطان هر آئینه حیلۀ شیطان سست است (۷۶) .

آیا ندیدی بسوی کسانی که گفته شد ایشان را بازدارید دستهای خود را^(۲) و برپا کنید نماز را و بدهید زکوٰة را^(۳) پس چون نوشته شد برایشان جنگ ناگاه گروهی از ایشان می‌ترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا یا بیشتر و گفتند ای

فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا
بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمَتَلْت
أَوْ عَابِ قَتَلْتُمْ نُوْبِيَهُ أُوْحَرًا عَظِيمًا ﴿۷۴﴾

وَمَا لَكُمْ لَأَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعِنِينَ
مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ
رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وِلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا
مِن لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿۷۵﴾

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ
إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿۷۶﴾

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذِ افْتَرِقَ مِنْهُمْ
يَحْمِلُونَ النَّاسَ كَحَمِيَّةِ اللَّهِ أَوَّشَدًا حَشِيَّةً وَقَالُوا لَبَّائِهِم

(۱) یعنی گرفتاران بدست کفار .

(۲) یعنی جنگ مکنید .

(۳) یعنی پس قبول کردند .

پروردگار ماچرانوشتی برماکارزار چرازنده نگذاشتی مارا تاوقتی نزدیک بگوهره مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدار رشته ای (۷۷) .

هر جاکه باشید دریابد شمارا مرگه و اگرچه باشید درمحل های محکم و اگر برسد بایشان نعمتی گویند این از نزد خداست و اگر برسد بایشان شدتی (یعنی سختی) گویند یا محمد این از نزد تست بگوهمه از نزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند که بفهمند سخنی را (۷۸) .

آنچه رسید به تو از نعمت پس از خداست و آنچه رسید به تو از محنت پس از نزد نفس تست و فرستادیم ترا برای مردمان پیغامبری و بس است خدا حاضر و گواه (۷۹) .

هرکه فرمانبرداری کند پیغامبر را پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد و هر که اعراض کرد پس نفرستادیم ترا برایشان نگهبان^(۱) (۸۰) .

كَتَبَتْ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْ لَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا يُظْلَمُونَ قِتِيلًا ④

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُبْهِمُوا حَسَنَةً يَقُولُوا هَٰذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُبْهِمُوا سَيِّئَةً يَقُولُوا هَٰذَا مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ④

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ④

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَآ أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ④

(۱) یعنی این کلمه حق است که خیر از جانب خدا است و شر از جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست و آن اینست که جهاد با جمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بس نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیر است و چون جهاد بامر الهی همه خیر است عقل را در آنجا دخل دادن صحیح نه باشد والله اعلم .

ومی گویند دردل ما فرمانبرداریست پس چون بیرون روند از نزد تو گروهی از ایشان بوقت شب رای زنند غیر آنچه تومی فرمائی و خدامی نویسد یعنی درنامه اعمال آنچه شب می گویند پس اعراض کن از ایشان و توکل نمابر خدا و خدا کارسازنده بس است (۸۱) .

آیاتامل نمی کنند قرآن را و اگر می بود از نزد غیر خدا البته می یافتند درواختلاف بسیار (۸۲) .

و وقتیکه بیاید نزد ایشان خبری از ایمنی یا ترس مشهور سازند آن را واگر برمیگردانیدند آن را بسوی پیغامبر و بسوی فرمان روایان از اهل اسلام هر آئینه می یافتند مصلحت آن خبر را آنانکه از ایشان میتوانند بر آوردن مصلحت آن واگر نمی بود بخشایش خدا بر شما و رحمت اوابته پیروی می کردید شما شیطان را مگر اندکی (۸۳) .

پس جنگ کن (یا محمد) در راه خدا بر تو مؤاخذه نیست مگر از جان تو و رغبت ده مسلمانان را^(۱) نزدیک است که موقوف سازد خدا جنگ کافران را و خدا سخت تراست باعتبار جنگ و سخت تراست باعتبار عقوبت (۸۴) .

هر که شفاعت کند شفاعتی نیک باشد او را بهره ای از ثواب آن و هر که

وَيُقُولُونَ طَاعَةً فَإِنَّا أَبْرؤُا مِنْ عِنْدِكَ بِبَيْتِ طَاعَةٍ
وَمَنْهُمْ غَيْرُ الَّذِي نَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَكْتُبُ مَا يَبْغِيُونَ فَأَعْرِضْ
عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ
لَوَجَدُوا فِيهِ إِحْتِلَافًا كَثِيرًا ۝

وَإِذْ أَخْبَأَهُمُ اللَّهُ مِنَ الْكُفْرِ إِذْ أَخْبَأَهُمُ الْوَرْدُ
إِلَى الرَّسُولِ وَاللَّيْلُ أُولَى الْأَكْرَمِينَ لَهُمْ لَعَلِبَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ
مِنْهُمْ وَلَوْ كَفَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَحِمْتَهُ لَرَجَعْتُمُ الشَّيْطَانَ
إِلَى الْوَيْلِ ۝

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضْ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْفُفَ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ
بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنَكُّيًا ۝

مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ

(۱) یعنی بر تو رغبت دادند و بس اگر همراهی نکنند بر تو مؤاخذه نیست والله اعلم .

شَفَاعَةً سَيِّئِينَ لَهُ كَيْفٌ وَمَنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْبِلًا ۝

شفاعت کند شفاعتی بد باشد اورا
حصه ای از عذاب آن وهست خدا بر همه
چیز توانا^(۱) (۸۵) .

وَلَا تُحْسِبُوا يَهْجِكُمْ بَعْثُهُمْ أَوْ رُدُّوهُمْ إِلَى اللَّهِ
كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَبِيبًا ۝

وچون تعظیم کرده شوید به سلامی پس
تعظیم کنید بکلمه ای بهتر از آن یا مانند
همان کلمه جواب دهید هر آئینه هست
خدا بر همه چیز حساب گیرنده (۸۶) .

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِيكُمْ وَيُمِيتُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ۝

بجز خدا نیست هیچ معبود برحقى البته
بهم آرد شمارا به روز قیامت هیچ شك
نیست در آن و کیست راست گوتر
از خدا در سخن^(۲) (۸۷) .

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرَزَّهُمْ بِمَا كَسَبُوا
أَتْرِيدُونَ أَنْ نَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ
فَلَنْ يَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝

پس چیست ای مسلمانان شمارا درباره
تملق کنندگان دو گروه شدید^(۳) و خدا
نگونسار ساخت ایشان را بشومی آنچه
کردند آیا می خواهید که راه نمائید (یعنی
از جمله راه یابان شمارید) کسی را که گمراه
ساخت او را خدا و هر کرا خدا گمراه
کند نیابی برای او هیچ را هی (۸۸) .

وَذُو الْوَالْتِفَاءِ وَنَ كَمَا كَفَرُوا فَكَأْتُونَ سَوَاءٌ فَلَا
تَسْتَجِدُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ مَخْرَجُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ
تَوَلَّوْا فَخُذُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا هُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ
وَلَا تَجِدُوا مِنْهُمْ وِلِيَاءَ وَلَا نَصِيرًا ۝

این تملق کنندگان آرزو کردند که شما نیز
کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس
برابر باشید پس دوست مگیرید هیچکس
را از ایشان تا آنکه هجرت کنند در راه

(۱) یعنی مثلاً سفارش گدای به توانگرتا او را چیزی بدهد نیک است و سفارش برای سارق تادست او نه بُرند درست نیست .

(۲) مترجم گوید خدای تعالی بیان می فرماید که به تملق کفار اعتماد نباید کرد .

(۳) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند و می بایست که همه باتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم .

خدا^(۱) پس اگر اعراض کردند (یعنی از اسلام و هجرت) پس اسیرگیرید ایشان را و بکشید هر جا که یابید ایشان را و دوست و یار مگیرید کسی را از ایشان (۸۹).

(اسیرگیرید و بکشید) مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهد است یا باینند نزد شما حالانکه تنگی آمده است سینه های ایشان از آنکه بجنگند با شما یا بجنگند با قوم خویش^(۲) و اگر خدای خواست هر آئینه مسلط می ساخت ایشان را بر شما پس می جنگیدند با شما پس اگر این فریق یکسوشوند از جانب شما و نجنگند با شما و بیفکند بسوی شما پیغام صلح را پس خداوند بر ضد ایشان را می در اختیار شما گذاشته است^(۳) (۹۰).

خواهید یافت قومی را که می خواهند ایمن شوند از شما و ایمن شوند از قوم خود هر گاه باز گردانیده می شوند بسوی فتنه انگیزی نگویند و سازانداخته شوند در آن^(۴) پس اگر یکسونه شوند از جنگ

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ
أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَمَانُوا
قَوْمَهُمْ وَأَوْشَاءَ اللَّهُ لَسَطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَقاتَلُواكُمْ وَإِنْ
اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقاتِلُواكُمْ وَالْقَوْلُ إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا
جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ⑤

سَيَجِدُونَ الَّذِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يُآمِنُواكُمْ وَيَأْمِنُوا
قَوْمَهُمْ كُلَّمَا دُؤِدُوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْسُوا فِيهَا وَإِنْ
لَمْ يَعْتَزِلُواكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَلْقُوا

(۱) یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند .

(۲) مترجم گوید و کسی که ایمان آورد و هجرت نه کند حکم او بطریق اولی فهمیده شد و الله اعلم .

(۳) یعنی اگر اسلام آرند و هجرت کنند ایشان را دوست باید گرفت و اگر اسلام نیارند می باید کشت مگر آنکه پیمان داشته باشند و ثابتانرا بر عهد و حلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذا داد و الله اعلم .

(۴) صلح می کنند و باز نقض عهد می نمایند و الله اعلم .

شما و نیفگنند بسوی شما پیغام صلح را و باز ندارند دستهای خویش را پس اسیر گیرید ایشان را و بکشید هر جاکه یابید ایشان را و این جماعت داده ایم شمارا برایشان حجت ظاهر (۹۱) .

ونه^(۱) سِزدمسلمانی را که بکشد مسلمانی را لیکن قتل واقع میشود بخطأ (یعنی بغیر قصد) و هر که بکشد مسلمانی را بخطأ پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و خون بهارسانیده شده به کسان مقتول مگر آنکه درگذرند از آن پس اگر باشد مقتول از گروه دشمنان شما و او مسلمانست پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان^(۲) و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است^(۳) پس لازم است خون بهارسانیده شده بکسان او آزاد کردن برده مسلمان پس هر که نیابد برده را پس لازم است روزه داشتن دو ماه پی در پی مشروع در کفازت بجهت قبول توبه است از جانب خدا و هست خدادانای استوار کار^(۴) (۹۲) .

أَيُّدِيَهُمْ فَخَنُّهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ
وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿٩١﴾

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً
فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُمْ مُمْسِقُونَ فَعَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ
وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَالًا مِنْ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ
تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾

- (۱) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطأ بیان می فرماید و آنکه امتناع از کسیکه به کلمه اسلام متکلم شد واجب است و فضل مجاهدان و وجوب هجرت از دار کفر بدار اسلام و کیفیت نماز سفر و نماز خوف بیان می کند و الله اعلم .
- (۲) یعنی مقتول مسلمان اگر از ساکنان دار الحرب باشد دیت لازم نیست و الله اعلم .
- (۳) یعنی او مومن باشد .
- (۴) جمهور مفسرین تصور (و ان كان من قوم بینکم و بینهم میثاق) درمقتول کافر کردند به ملاحظه آنکه توارث در میان مومن و کافر منقطع است و سبیل دیت =

وهرکه بکشد مسلمانان را بقصد پس جزای او دوزخ است جاوید باشد آنجا و خشم گرفته است بر او خدا و لعنت کرد او را و آماده ساخته است برای او عذابی بزرگ (۹۳).

ای مسلمانان چون سفر کنید در راه خدا (یعنی برای جهاد) پس نیک تحقیق کنید و مگوئید کسی را که بسوی شما سلام انداخته است نیستی مسلمان می طلبید متاع زندگانی دنیا را پس نزد خدا غنیمت های بسیار است هم چنین بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما پس تحقیق کنید هر آئینه خدا هست بآنچه کنید آگاه (۹۴).

برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان و جهاد کنندگان در راه خدای تعالی به مالهای خویش و جانهای خویش برتری داده است خدا مجاهدان را به مال و جان خویش بر نشینندگان در مرتبه وهریکی را وعده نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان مزد بزرگ^(۱) (۹۵).

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مِّنْ جَمْعٍ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا صَرْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ أَلَسْتُمْ مُؤْمِنًا تَبْتغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَوَيْدَ اللَّهِ مَعَاهُمْ يُبَيِّنُ لَكُمْ ذَلِكَ لِكُلِّكُمْ مِنْ قَبْلِ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الصُّورِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾

= سبیل میراث است و بنده ضعیف می گوید تمهید مسئله به (وما كان لمؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطأ) و تقید به «وهو مؤمن» در نظیر مانحن فيه ظاهر است در آنکه اینجا قید ایمان معتبر است و لزوم دیت بجهت و فابعدست نه بر سبیل میراث و نظیرش وجوب مهرست در مسئله مؤمنه از قوم متعاهدین در سوره ممتحنه الله اعلم .

(۱) فائده قید غیر اولی الضرر آنست که در اولی الضرر این حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند از اولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابند والله اعلم .

افزون داده است مرتبه هاز جانب خویش و آمرزش و بخشایش و هست خدا آمرزنده مهربان (۹۶) .

هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند درحالتیکه ستمگار بودند برخویشتن^(۱) فرشتگان بایشان گفتند درچه حال بودید شما گفتند بودیم بیچاره گان در زمین گفتند آیفراخ نبود زمین خدا تاهجرت می کردید درآن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است و اوبدجائی است (۹۷) .

مگر آنانکه بحقیقت بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند و هیچ راه نمی یابند (۹۸) .

پس آن جماعت نزدیک است که خدا عفو کند از ایشان و هست خدا عفوکننده آمرزنده (۹۹) .

وهرکه ترك وطن کند درراه خدا بیابد در زمین اقامت گاه بسیار و فراخی معیشت وهرکه بیرون رود از خانه خود هجرت کنان بسوی خدا و پیغامبر او و سپس دریابد او را موت^(۲) پس به تحقیق ثابت شد مزد او بر خدا و هست خدا آمرزنده مهربان (۱۰۰) .

و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۹۶﴾

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْاهُمُ النَّارَ كَمَا تَوَلَّوْا أَنفُسَهُمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا قَالُوا لَيْكَ مَا أُولَئِكَ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۹۷﴾

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿۹۸﴾

قَالَ لَيْكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَ عَنْهُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا غَفُورًا ﴿۹۹﴾

وَمَنْ يُهَاجِرْ فُ سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرْعًا كَثِيرًا وَسَعَةً ۗ وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۱۰۰﴾

وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ

(۱) یعنی بترك هجرت از دار الحرب بدار السلام و به تكثير سواد كفار والله اعلم .

(۲) یعنی در راه قبل و وصول بمقصد .

تَفَصَّرُوا مِنَ الصَّلَاةِ ۚ إِنَّ حِفْمَكُمْ الَّذِينَ يَنْفَرُونَ
كَفَرُوا وَإِنَّ الْكُفْرَانَ كَانُوا كَالْكُفْرِ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿٥١﴾

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَافِيَةً
مِنْهُم مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَأَدْبَسُوا حَافِيَهُمْ
مِنْ وَرَائِكُمْ وَلَئِذَا تَلَّفَمَتْهُ طَافِيَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يَصَلُّوا أَفَلْيَصَلُّوا
مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَذَٰلِكَ بِالنَّاسِ
كَفَرُوا وَالْوَالُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ
عَلَيْكُمْ قَبِيلَةً ۚ وَالْأَجْنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ
أَذَىٰ مِنْ مَطِيرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۚ وَ
حُذُوا ۚ وَإِذَا جِئْتُمْ مِنَ اللَّهِ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿٥٢﴾

گاهی در آنکه قصر کنید قدری از نماز
اگر بترسید از آنکه در بلافاصله شمارا
کافران هر آئینه کافران هستند
شمارادشمن آشکار^(۱) (۱۰۱) .

و چون باشی در میان مؤمنان^(۲) پس
برپا کردی برای ایشان نماز را پس باید
بایستد گروهی از ایشان باتو و باید که
برگیرند سلاح خویش را پس چون
سجده کردند آنان پس باید که باشند پشت
سر شما^(۳) و باید که بیاید آن گروه دیگر که
هنوز نماز نخوانده اند پس
نماز گذارند باتو و باید که بگیرند حذر^(۴)
و سلاح خود را آرزو کردند کافران کاش
غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش
پس حمله کنند بر شما یک باره و هیچ گناه
نیست بر شما اگر باشد شمارا رنجی
از باران یا بیمار باشید در آن که بنهید
سلاح خویش را و البته بگیرید حذر خود را
هر آئینه خدا آماده کرده است برای
کافران عذاب رسواکننده^(۵) (۱۰۲) .

- (۱) مترجم گوید مشهور آن است که این آیت در صلوة مسافران نازل شده است و خوف
قید اتفاقی است و آنچه نزدیک این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت
در صلوة خوف نازل شده است و سفر قید اتفاقیست و مراد از قصر در کیفیت رکوع
و سجود است که بایمای ادامیتوان کرد نه در کمیت رکعات والله اعلم .
- (۲) یعنی وقت خوف .
- (۳) یعنی مقابل عدو .
- (۴) و حذر خود زره و سپر را گویند .
- (۵) مترجم گوید این را صورتهاست یکی آنکه امام دوبار نماز گذارد یک بار =

پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنید خدایا ایستاده و نشسته و برپهلوهای خویش پس چون مطمئن شدید برپا کنید نماز را^(۱) هر آئینه هست نماز بر مومنان فرض وقت معین کرده شده (۱۰۳) .

وستی مکنید در جستجوی کفار اگر شما دردمند می شوید پس ایشان نیز دردمند می شوند چنانکه شما می شوید و شما امید دارید از خدا آنچه ایشان را امید نیست و هست خدادانای استوار کار (۱۰۴) .

هر آئینه^(۲) مافرود آوردیم بسوی تو کتاب را براستی تا حکم کنی میان مردمان بآنچه شناسانده است ترا خدا و مباحش خصومت کننده برای حمایت کنندگان (۱۰۵) .

قَدْ أَقْصَيْتُمْ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقَعُودًا
وَعَلَىٰ جُوعِكُمْ وَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ
الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّقْشُورًا ﴿١٠٣﴾

وَلَا تَهْتَفُوا فِي اتِّبَاعِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَفَرُوا تَأْتُمُون
فَأَنَّهُمْ يَأْتُمُونَ كَمَا تَأْتُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا
لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَدَكَ
اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْكَافِرِينَ حَصِيمًا ﴿١٠٥﴾

= باینجماعت و دیگر بار بآن جماعت دیگر آنکه امام بایک جماعت يك ركعت گذارد و در قیام توقف کند تا آنکه ركعت دیگر خوانده مقابل عدوروند آنجماعت دیگر آمده اقتدا به امام کنند و ركعت دیگر بآنجماعت خواند در قعه چندان توقف کند که از ركعت دوم فارغ شوند آنگه بایشان سلام دهد این هر دو بصورتی دیگر همه صحیح شده و همه محتمل آنست و الله اعلم .

(۱) یعنی بطریق نماز امن و الله اعلم .

(۲) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی را از ایشان مرتکب گناهی می شد دور وی حیلها بافته پیش آنحضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت او بخاطر مبارك می رسید و بایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف در میان می آوردند خدای تعالی آیات فرستاد .

وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۰۶﴾

وَلَا تَجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَلُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُوْجِبٌ مِّنْ كَانَ حَوَآثِمًا آثِمًا ﴿۱۰۷﴾

يَسْتَفْتُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَفْتُونَ مِنَ اللَّهِ
وَهُمْ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَمْ يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ
اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿۱۰۸﴾

هَآئِكَ هُمُ الَّذِينَ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ
يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ
وَكِيلًا ﴿۱۰۹﴾

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ
اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۱۰﴾

وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ
عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۱۱﴾

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِهِ بِرِثْمًا فَحَسْبُ
بُهْتَانًا وَإِثْمًا بُعِينًا ﴿۱۱۲﴾

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ لَكَ لُفُفَةٌ مِنْهُمْ
أَنْ يَضْرِبُوكَ وَمَا يَصْحَبُونَ إِلَّا أَنفُسُهُمْ وَمَا يَضُرُّوكَ مِنْ
شَيْءٍ ۚ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

وآمزش خواه از خدا هر آئینه هست خدا
آمزنده مهربان (۱۰۶) .

وخصومت مکن از جانب آنانکه خیانت
می کنند خویشان را هر آئینه خدا دوست
ندارد آنرا که باشد خیانت کننده گنهگار
(۱۰۷) .

پنهان می کنند از مردمان و پنهان نمی
کنند از خدا و او بایشان ست آنگاه که به
شب مشورت میکنند آنچه خدانمی
پسندد از تدبیر و هست خدا بآنچه میکنند در
برگیرنده (۱۰۸) .

آگاه باشید شمای قوم که خصومت
کردید از طرف خیانت کنندگان در زندگانی
دنیا پس کیستکه خصومت کند با خدا
از طرف ایشان روز قیامت یا کیست که
باشد برایشان کار سازنده (۱۰۹) .

وهرکه انجام دهد کار بدی استم
کند بر خویش باز آمزش طلبد از خدا بیابد
خدا را آمزنده مهربان (۱۱۰) .

وهرکه بکند گناهی پس جزاین نیست که
می کند آن را بر جان خویش و هست خدا
دانای استوار کار (۱۱۱) .

وهرکه بکند خطائی یا گناهی باز تهمت
زند بآن بیگناهی را پس بر خود برداشت
افترا و گناه ظاهر را (۱۱۲) .

وا گرنمی بود فضل خدا بر تو و بخشایش او
قصدر کرده بودند گروهی از ایشان که گمراه
کنند ترا و گمراه نمی کنند مگر خویشان

را و هیچ ضرری نرسانند به تواز چیزی و نازل ساخت خدا بر تو کتاب و دانش و آموخت ترا آنچه نمی دانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ (۱۱۳) .

نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی در مشورت کسی است که می فرماید بصدقه یا بکار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان و هر که این کند به طلب خوشنودی خدا پس بزودی بدهیش مزد بزرگ (۱۱۴) .

و هر که مخالفت پیغامبر کند بعد از آنکه معلوم شد او راهدایت و پیروی کند غیر راه مسلمانان را متوجه بکنیمش با آنچه میگردد^(۱) و در آریمش بدوزخ و او بدجائی ست (۱۱۵) .

هر^(۲) آئینه خدا نمی آمرزد آنکه شریک با او مقرر کرده شود و می آمرزد غیر شریک هر که خواهد و هر که شریک خدا مقرر کند پس گمراه شد گمراهی دور (۱۱۶) .

مشرکان نمی پرستند بجز خدا مگر بتانی را که بنام دختران مسمی کرده اند و نمی پرستند مگر شیطان دور رفته از حدرا (۱۱۷) .

لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان بگیرم از بندگان تو حصه ای که در علم ازلی معین شده (۱۱۸) .

و البته گمراه کنم ایشان را و البته در آرزوی

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿۱۱۳﴾

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۱۱۴﴾

وَمَنْ يُثَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۱۱۵﴾

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا عَظِيمًا ﴿۱۱۶﴾

إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنثَاءً وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ﴿۱۱۷﴾

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿۱۱۸﴾

وَأَضَلَّهُمُ اللَّهُ وَآمَنَهُمْ وَأَلَمَّهُمْ فَلَئِمَّا كُنْ أَذَانًا

(۱) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزائم .

(۲) مترجم گوید از اینجا تغلیظ تحریم شرک می فرماید .

باطل افکنم ایشان را و البته بفرمایم ایشان را تابشگافند گوش چهارپایان را و البته بفرمایم ایشان را تا تغییر دهند آفرینش خدا را^(۱) و هر که دوست گیرد شیطان را بجز خدا پس زیان کارشد زیان ظاهر (۱۱۹) .

و عده می دهد ایشان را و در آرزوی می اندازد ایشان را و عده نمی دهد ایشان را شیطان الافریب (۱۲۰) .

آن جماعت جای ایشان دوزخ است و نیابند از آن راه نجاتی (۱۲۱) .

و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در آریم ایشان را به بوستانهایی که می رود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه وعده کرده است خدا برستی و کیست راست گوتر از خدا در سخن (۱۲۲) .

نیست کار بوفق آرزوی شما و نه بوفق آرزوی اهل کتاب هر که بکند کار بد جزا داده خواهد شد به آن و نیاید برای خود بجز خدا هیچ دوستی و نه یاری دهنده (۱۲۳) .

و هر که بکند از کارهای شایسته مرد باشد یا زن و او مسلمان است پس آن جماعت در آیند به بهشت و ستم کرده نه شوند مقدار نقیری (۱۲۴) .

و کیست نیکوتر باعتبار دین از کسی که

الْأَعْمَارُ وَالْمَرْءُ لَهُمْ فَلْيَعِزُّوا خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا ﴿۱۱۹﴾

يَعِدُهُمْ وَيُوعِدُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۲۰﴾

أُولَئِكَ مَا أَوْلَاهُمْ جَهَنَّمَ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿۱۲۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿۱۲۲﴾

لَيْسَ يَا مَعْشَرَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزِيهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۲۳﴾

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿۱۲۴﴾

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

(۱) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بردن تاسرخ یا کبود گرداندن والله اعلم .

منقاد ساخت روی خود را برای خدا و اونیکوکاراست و پیروی کرد ملت ابراهیم رادرحالتی که حنیف بود و خدا دوست گرفت ابراهیم را (۱۲۵) .

و خداراست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین ست و هست خدا همه چیز در برگیرنده (۱۲۶) .

و طلب فتوی می کنند از تو درباره زنان^(۱) بگو خدافتوی میدهد شمارا درباره زنان و آنچه خوانده می شود بر شما در کتاب نازل شده است در حق آن زنان یتیمه که نمی دهید ایشان را آنچه فرض کرده شده است برای ایشان و رغبت می کنید که به نکاح در آرید ایشانرا^(۲) و نازل شده است درباره بیچاره گان از کودکان و حکم ست بآنکه تعهد حال یتیمان کنید بانصاف و هر آنچه می کنید از نیکوئی هست خدا بآن دانا^(۳) (۱۲۷) .

اگر زنی بترسد از شوهرش سرکشی یا روگردانی راپس گناه نیست برایشان در آنکه صلح آرند در میان خویش نوعی از صلح

وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ﴿١٢٦﴾

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُثَلِّي عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمِّي النِّسَاءَ الَّتِي لَا تُوْتُوهُنَّ مَا لَكِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ اَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدِ اِنْ اَنْ تَقُومُوا إِلَيْهِمْ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ قَانَ اللَّهُ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾

وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ﴿١٢٨﴾

- (۱) یعنی چه نوع بایشان معامله باید کرد و الله اعلم .
- (۲) در نکاح زنان یتیمه رغبت می کردند بسبب براعت جمال و حوادث سن در ادای نفقه و مهر کوتاهی می نمودند و الله اعلم .
- (۳) جواب این استفتاء تفصیلی داشت پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمود بر آیات سابقه و آن مسئله تحریم ظلم بر یتیمی النساء است و بعضی را اینجا جواب داد و آن مسئله نشوز و تحریم میل کلی بیک زن و اعراض از زن دیگر و اباحه طلاق در صورت ضرورت و الله اعلم .

وصلح کاری بهتر است، وحاضر کرده شده اند نفوس نزدیک بخل^(۱) و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید پس هر آئینه خدا هست بآنچه می‌کنید دانا (۱۲۸).

و نه توانید هرگز عدل کردن میان زنان اگر چه نهایت رغبت کنید پس باری کجی مکنید تمام کجی تا آنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه^(۲) و اگر اصلاح کنید و پرهیزگاری نمائید پس هر آئینه خدا هست آمرزندهٔ مهربان (۱۲۹).

و اگر مردوزن از یکدیگر جدا شوند کفایت کند خدای تعالی هر یکی را از توانگری خود هست خدا جواد استوار کار (۱۳۰).

و خدای راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین ست و هر آئینه حکم فرمودیم آنانرا که داده شدند کتاب پیش از شما و شمارانیز که برتسید از خدا و اگر کافر شوید پس هر آئینه خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و هست خدا توانگر ستوده شده (۱۳۱).

و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا کارساز بس است (۱۳۲).

اگر خواهد دور کند شمارا ای مردمان و بوجود آرد دیگران را و هست خدا براین کار توانا (۱۳۳).

وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحِبُّوا وَيُحِبُّوكُمْ فَانِ اللَّهُ
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَآتَيْنَنَّ عَدْلًا بَيْنَ النَّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ
فَلَا تَبْتَلُوهُنَّ عَلَى النِّسْبِ فَتَدْرُوهَا كَالْمِغْلَقَةِ وَإِن تُصَلِحُوا
وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾

وَلَئِن يَتَخَرَّ قَائِلِينَ إِنَّ اللَّهَ لَهُم مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ
اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِيْنَ
اٰتٰوْا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَاِتٰكُمْ اِنْ اتَّقَوْا اللَّهَ مٰن تَكْفُرُوْا
فَاِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ
عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿١٣١﴾

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَكَفٰى بِاللَّهِ
وَكَفٰى لًا ﴿١٣٢﴾

اِنَّ يَشٰئِئْنَ مِنْهُمُ اِيْمًا النَّاسُ وَاِيَاتِ الْآخِرِيْنَ وَكَانَ
اللَّهُ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيْرًا ﴿١٣٣﴾

(۱) یعنی از بخل غائب نمی شوند و آن رانمی گذارند و الله اعلم .

(۲) مترجم گوید معلقه زنیست که نه بیوه باشد و نه باو شوهر موافقت کند .

هر که باشد طالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند) پس نزد خداست ثواب دنیا و آخرت و خدا شنوا و بیناست^(۱) (۱۳۴).

ای مسلمانان باشید برپادارنده عدالت اظهار حق کننده برای خدا و اگر چه بر ضرر خویشتن یابد و مادر و خویشاوندان باشد اگر آنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یا فقیر بهر حال خدا مهربان تر است برایشان پس پیروی خواهش نفس مکنید اعراض کنان از عدل و اگر بیچانید سخن را یارو گردانید پس هر آئینه خدا هست بآنچه می کنید آگاه (۱۳۵).

ای مسلمانان ایمان آرید بخدا و پیغامبر او و آن کتاب که فرو فرستاده است بر پیغامبر خود و آن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین و هر که کافر شود بخدا و به فرشتگان او و کتاب های او و پیغامبران او و روز آخرت پس هر آئینه گمراه شد گمراهی دور^(۲) (۱۳۶).

بیگمان آنانکه ایمان آوردند باز کافر شدند باز ایمان آوردند باز کافر شدند باز زیادت کردند در کفر^(۳) هرگز نیامزد خدای تعالی ایشان را و هرگز ننماید ایشان را

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٤﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَوْنَا قَوْمِيْنَ بِالْقِسْطِ سَهَدَاءُ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوَالِدَيْكُمْ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا ۗ وَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٣٥﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَئِيمًا ﴿١٣٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَدَّأُوا كُفْرَهُمْ إِلَيْ اللَّهِ يُعْذَرُ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ﴿١٣٧﴾

(۱) یعنی پس چرا طالب هر دو نباشید والله اعلم .

(۲) مترجم گوید مراد آنست که هر که در ملت اسلامیة داخل شد او را به تفصیل تصدیق

این چیزها باید کرد .

(۳) یعنی اصرار کردند والله اعلم .

راهی (۱۳۷) .

خبر^(۱) ده منافقان را بآنکه ایشان را باشد عذاب درد دهنده (۱۳۸) .

آن منافقان که کافران را دوست میگیرند بجز مؤمنان آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هرآئینه ارجمندی خدا را است همه یکجا (۱۳۹) .

وهرآئینه فروفرستاده است خدا بر شما در قرآن که چون بشنوید آیاتهای خدا را که به آنها کفر ورزیده میشود و تمسخر کرده میشود بآنها پس منشنید بایشان تا آنکه شروع کنند درسختی غیر از آن هرآئینه شما اگر چنین نکنید مانند آن کافران باشید هرآئینه خدا هم آورنده است منافقان و کافران را همه یک جادردوزخ (۱۴۰) .

آن منافقان که انتظار شمامی کشند پس اگر باشد شمارا فتحی از جانب خدا گویند آیان بودیم باشما^(۲) و اگر باشد کافران را نصیبی گویند یعنی بکافران آیغالاب نه شدیم بر شما^(۳) و آیا باز نه داشتیم شمارا از ضرر مسلمانان^(۴) پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت و هرگز

بَشِيرِ الْمُتَّقِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا تَدْرِيْنَ يَجِدُونَ الْكُفْرَانَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
يَتَّبِعُونَ عَنْدَهُمُ الرِّزْقَ فَإِنَّ الرِّزْقَ لِلَّهِ حَيْثُ مَا

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَأَلْتُمُ ابْنَ اللَّهِ بِكُفْرٍ
بِهَآؤِ وَبَيْتِهِمْ أَبَاهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجُوا فِي
حَدِيثٍ غَيْرٍ ؕ إِذْ أَتَاكُمْ إِذْ أَتَاكُمْ هُؤُورًا إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ
الْمُتَّقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٣٧﴾

لِلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُفْرٍ ؕ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْرٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا
أَلَمْ تَكُنْ مَعَكُمْ ؕ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ
نَسْتَوْذِعْكُمْ عَلَيْكُمْ وَنَمَتَّكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالُوا لَكُمْ بَيْنَكُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١٣٨﴾

(۱) مترجم گوید ازینجا وعید منافقان بیان می فرماید .

(۲) یعنی از زمره شما ایم و الله اعلم .

(۳) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دانستیم که با مسلمانان بجنگیدونه گذاشتیم که بمصلحت دیگر عمل کنید و الله اعلم .

(۴) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشما نه رسد و الله اعلم .

نگشاید خدا مرکافران را بر مومنان راهی^(۱)
(۱۴۱) .

هر آئینه منافقان فریب می دهند بگمان
خود خدا را و خدا نیز فریب می
دهد ایشانرا و چون منافقان بسوی نماز
برخیزند کاهلی کنان برخیزند می نمایند به
مردمان و یاد نمی کنند خدا را مگر اندکی
(۱۴۲) .

متردداند در میان این و آن نه بسوی اینانند
و نه بسوی آنان و هر کرا گمراه کند خدا پس
هرگز نیابی برای او هیچ راهی (۱۴۳) .

ای مسلمانان دوست مگیرید کافران را
بجز مومنان آیا می خواهید که ثابت
کنید برای خدا بر خویشتن دلیلی ظاهر
(۱۴۴) .

هر آئینه منافقان در طبقه زیرترین اند
از آتش و نه یابی هرگز برای ایشان هیچ
یاری دهنده (۱۴۵) .

مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح پیش گرفتند
و چنگ زدند (بریسمان) خدا و خالص
گردانیدند دین خود را برای خدا پس
انجماعت همراه مومنانند و زود بدهد خدا
مومنان را مزد بزرگ (۱۴۶) .

چه کند خدا بعد از شما اگر شکر گذاری
کنید و ایمان آرید و هست خدا قدر شناس
دانا (۱۴۷) .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ يُجِدُّونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا
إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يُرَاءُونَ اللَّهَ أَكْثَرًا ۗ

مُذَبِّذِينَ بَيْنَ يَدَيْ ذَلِكَ إِلَى هَوْلَاءِ وَلَا إِلَى هَوْلَاءِ وَمَنْ
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ سَبِيلًا ۗ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكُفْرَانَ أَوْلِيَاءَ مِنْ
دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ تَرِيدُوا أَنْ يَجْعَلُوا إِلَهُكُمْ سُلْطَنَا
مُهِينًا ۗ

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي الدَّرَجَةِ الْأَعْلَى مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ
لَهُمْ نَصِيرًا ۗ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا
دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي
اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۗ

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدُوِّكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ
اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ۗ

(۱) یعنی نشود که اسلام را مستاصل گردانند و الله اعلم .

دوست نمی دارد خدا بلند گفتن سخن بدرا مگر سخت گفتن مظلوم که عفاست و هست خدایشنا دانا (۱۴۸) .
اگر آشکارا کنید کار نیک را یا پنهان کنید آن را یا عفو کنید از ظلمی پس هر آئینه هست خدا عفو کننده توانا (۱۴۹) .

هر آئینه کسانی که کافر می شوند بخدا و پیغامبران او می خواهند که تفرقه کنند در میان خدا و پیغامبران او^(۱) می گویند ایمان می آریم به بعض پیغامبران و نامعتقد می شویم بعض را و می خواهند که راهی گیرند در میان این و آن (۱۵۰) .

آن جماعت ایشانند کافران به حقیقت و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (۱۵۱) .

و کسانی که ایمان آوردند بخدا و پیغامبران او و تفرقه نه کردند در میان هیچ یکی از ایشان آن جماعت خواهد داد خدا ایشان را مزد ایشان و هست خدا آمرزنده مهربان (۱۵۲) .

در^(۲) خواست می کنند از تو اهل کتاب که فرود آری بر ایشان کتابی از آسمان یعنی یکدفعه پس سوال کرده بودند از موسی سخت تر ازین گفتند خدا را بنمایم آشکارا

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوَرِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ
وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿۱۴۸﴾

إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ لَفَعُوا عَنْ سُورِهِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَفْوًا قَدِيرًا ﴿۱۴۹﴾

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا
بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ
وَيُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا آيَاتِنَا وَيَكْفُرُوا سَبِيلًا ﴿۱۵۰﴾

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَٰفِرِينَ
عَذَابًا مُّهِينًا ﴿۱۵۱﴾

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَأَمْ يُرِيدُوا بَيْنَ يَدَيْهِمْ
أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمُ اللَّهُ جَزَاءً مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿۱۵۲﴾

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ
فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ الْأَبْرَمِينَ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَأَنا لِلَّهِ جَهْرَةً
فَأَخَذَتْهُمُ الضُّعْفَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ أَخَذُوا الْعِجْلَ

(۱) یعنی بخدا ایمان آرند و به پیغامبران ایمان نیارند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّ شبه یهود می کند که قرآن چرا یکدفعه مثل الواح موسی نازل نه شد و این سخن ممتد است تا یا اهل کتاب لاتغفلوا .

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَقَّبُوا نِعْمَ
ذَلِكَ وَآيَاتِنَا مُؤْمِنِي سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٥٦﴾

پس گرفت ایشان را صاعقه بسبب گناه
ایشان باز معبود گرفتند گوساله را
بعد از آنکه آمد بایشان معجزه ها پس در
گذشتیم ازین جریمه و دادیم موسی را
غلبه ظاهر (١٥٣) .

وَرَفَعْنَا قُرُونَهُمُ الطُّورَ بَيْنَنَا وَهُمْ وَكُنَّا لَهُمُ ادْخُلُوا
الْبَابَ سُجَّدًا وَكُنَّا لَهُمُ لَاتَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا
مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٥٧﴾

و برداشتیم بالای ایشان طور را برای
گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشان را در آئید به
دروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را
تجاوز مکنید در روز شنبه و گرفتیم از ایشان
عهد محکم (١٥٤) .

فِيمَا نَقَضْتَهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ
بِعَدْوٍ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ
فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٨﴾

پس بسبب شکستن ایشان عهد خود را
و بسبب کفر ایشان بآیات خدا و کشتن
ایشان انبیا را بناحق و گفتن ایشان که
دلهای ما در پرده است نه بلکه مهر نهاده
است خدای تعالی بردل های ایشان بسبب
کفر ایشان پس ایمان نیارند مگر اندکی
(١٥٥) .

وَكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ﴿٥٩﴾

و بسبب کفر ایشان و گفتن ایشان بر مریم
بهتانی بزرگ^(١) (١٥٦) .

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ
اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ
وَأَنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي سَكْرَتٍ مِنْهُ
مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظُّلْمِ
وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿٦٠﴾

و بسبب گفتن ایشان هر آئینه ما کشتیم
مسیح عیسی پسر مریم را که فی الواقع
پیغامبر خدا بود و نه کشته اند او را و بردار
نه کرده اند او را ولیکن مشتبه شد بایشان
و هر آئینه کسانی که اختلاف کردند در باب
عیسی در شک انداز حال او و نیست ایشان

(١) یعنی قذف بزنا .

رابآن یقینی لیکن پیروی ظن میکنندوبه یقین نه کشته انداورا (۱۵۷) .

بلکه برداشت اوراخدای تعالی بسوی خود وهست خدا غالب استوارکار (۱۵۸) .

ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الا البته ایمان آورد بعیسی پیش ازمردن عیسی^(۱) وروزقیامت باشد عیسی گواه برایشان (۱۵۹) .

پس به سبب ظلمیکه به ظهورآمدازیهود حرام ساختیم برایشان چیزهای پاکیزه که حلال بودندایشان را وبسبب بازداشتن ایشان مردمان بسیارازراه خدا (۱۶۰) .

و گرفتن ایشان سود را وحال آنکه منع کرده شده اندازآن وخوردن ایشان اموال مردمان را بناحق ومهیاکردیم برای کافران ازایشان (یعنی مصران برکفر) عذاب درد دهنده^(۲) (۱۶۱) .

لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب ومومنان ایمان می آرندبانچه فروفرستاده شده است بسوی تووآنچه فروفرستاده

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ ذَرِيَّةً حَكِيمًا ۝

وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا الْيُودِينَ بِهِ قِيلَ مَوْتٌ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ۝

فَيُظَلِّمُونَ الَّذِينَ هَادُوا حَزْمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٌ أُجِلَّتْ لَهُمْ وَيَصِدُّوهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ۝

وَأَخَذْنَاهُمُ الرِّبَا وَقَدْ هَمُّوا بَعَثَهُنَّ أَطْوَمَ الْأَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝

لَكِنَّ الرِّسْمُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ

(۱) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضرشوند نزول عیسی را البته ایمان آرند والله اعلم .

(۲) مترجم گوید اگرگوئی انکار عیسی بعدنزول تورات کرده بودند وتحريم لحوم ابل وتحريم ذی ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسی باشد گویم نزدیک این بنده ظاهر آنست مراد ازتحريم طيِّبات موقوف داشتن نعمت هاست که سابقاً ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت و غیرآن واین مشابه آن آیتيست (ضربت عليهم الذلة والمسكنة) الايه واین آیت (وحرام علی قریة اهلکنها) وحينئذ جميع كلام باهم مربوط باشد والله اعلم .

شده است پیش از تو و (مدح می کنیم) برپادارندگان نماز را و هم چنین دهندگان زکوة را و ایمان آرندگان بخدا و روز آخر این جماعت زود بدهیم ایشانرا مُزِدْبِرْكَ (١٦٢) .

هرآئینه ما وحی فرستادیم بسوی تو چنانکه وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغامبران پس از وی و چنانکه وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و چنانکه دادیم داود رازبور (١٦٣) .

و چنانکه فرستادیم پیغامبرانی که قصه ایشان گفته ایم بر تو پیش ازین و پیغامبرانی که قصه ایشان نه گفته ایم به تو و گفت خدا با موسی سخن (١٦٤) .

فرستادیم پیغامبران مژده دهندگان و بیم کنندگان تانه باشد مردمان را بر خدا الزام بعد فرستادن پیغامبران^(١) و هست خدا غالب استوار کار (١٦٥) .

لیکن خدا گواهی میدهد بآنچه فرو فرستاده است بسوی تو که فرو فرستاد آن رابه علم خود و فرشتگان نیز گواهی می دهند و بس است خدا گواه (١٦٦) .

هرآئینه کسانی که کافر شدند و بازداشتند یعنی مردمان را از راه خدا به تحقیق گمراه

وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٦﴾

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْإِسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ نُجُورًا ﴿٦٧﴾

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَخْفِيفًا ﴿٦٨﴾

رُسُلًا مُبْتَلِينَ وَمَنْذِرِينَ لَعَلَّ يُؤْتُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٦٩﴾

لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَكُ يَشْهَدُونَ وَكُلٌّ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٠﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾

(١) یعنی تانه گویند که تقصیر مانیست هیچ پیغمبر نزدیک ما نیامد والله اعلم .

شدند گمراهی دور (۱۶۷) .
 هرآئینه کسانی که کافر شدند و ستم کردند
 هرگز نیامرزد ایشان را خدا و نه
 نمایندایشان راهی (۱۶۸) .
 مگر راه دوزخ جاویدان آنجا همیشه
 وهست این آسان بر خدا (۱۶۹) .
 ای مردمان هرآئینه آمدبه شما پیغامبر
 برآستی از جانب پروردگار شما پس
 ایمان آرید تا ایمان آوردن بهتر باشد برای
 شما و اگر کافر شوید پس هرآئینه خدا را
 است آنچه در آسمانها و زمین است
 وهست خدادادانا استوار کار (۱۷۰) .
 ای^(۱) اهل کتاب از حدمگزید در دین
 خود و مگوئید بر خدا مگر سخن راست
 جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم
 پیغامبر خداست و کلمه اوست انداخت
 آن را بسوی مریم و روحی است از جانب
 خدا پس ایمان آرید بخدا و پیغامبران او
 و میگوئید خدایان سه اند باز آئید ازین
 قسم گفتار تا این باز ماندن بهتر باشد
 شمارا جز این نیست که خدامعبود یگانه
 است پاکست خدا را از آن که باشد او را
 فرزندی مرا و راست آنچه در آسمان ها
 و آنچه در زمین است و بس است
 خدا کار سازنده (۱۷۱) .
 هرگز ننگ ندارد عیسی از آنکه باشد بنده

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغَيِّرْ أَمْرَهُمْ
 وَلَئِيْن يَكُنْ لَهُمْ طَرِيقًا ۝

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ
 عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ قَامُوا
 حَيْرَ الْكُوفَرِ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

يَا هَلْ الْكَيْبُ لَا تَعْلَمُونَ فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
 إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلَّمَتْهُ
 أَلْقَمَهَا إِلَى مَرْيَمَ وَوَدَّعْتَهُنَّ فَأَمَّا يَا اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَلَا
 تَقُولُوا شَيْئًا إِنَّهُمْ أَحْسَنُ الْقَوْمِ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ
 سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ وَغُلِّبَ بِاللَّهِ وَيَكِلَ ۝

لَنْ يَتَّكِفَ السَّيِّئُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلِيكَةُ

(۱) مترجم گوید ازینجا شروع می فرماید در ردّ شبه نصاری و الله اعلم .

خدا ونه فرشتگان مقرب ننگ دارند و هر که ننگ کند از بندگی او سرکشی کند پس خواهد برانگیخت ایشانرا نزدیک خویش همه یکجا (١٧٢).

پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شائسته کردند پس تمام هدایشان را مزدایشان و زیاده هدایشان را از فضل خود و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کندایشان را عذاب درد دهنده و نیابند برای خویش بجز خدا هیچ دوستی ونه هیچ یاری دهنده ای (١٧٣).

ای مردمان به تحقیق آمد نزدیک شما دلیلی از پروردگار شما و نازل کردیم بسوی شما روشنی آشکارا (١٧٤).

اما کسانی که ایمان آوردند بخدا و چنگ زدند باو پس زود درآردایشان را در رحمت و فضل (از نزدیک) خود وبه نماید ایشان را بسوی خود راه راست (١٧٥).

طلب فتوی میکنند از تو بگو خدای تعالی فتوی میدهد شما را در باب میراث کسی که والد و ولد ندارد اگر مردی بمیرد که فرزندش نیست (یعنی ونه والد) و اورا خواهری باشد^(١) پس خواهرش راست نیمه آنچه گذاشته است و اگر این خواهر مردی آن برادر وارث اوشدی

الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَكْفِرْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَسَيَتَّخِذُ قَسِيحُهُرْمًا إِلَيْهِ جَبِيعًا ﴿١٧٢﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَهُمُ رِيحُهُمْ مِنْ رَبِّكَمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴿١٧٤﴾

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَقَضَىٰ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلِمَةِ إِنِ امْرُؤًا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُمٌّ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثُ مِنْهُمَا تَرَكَ وَ إِن كَانُوا أَخْوَاعًا رِجَالًا لَّوْصَاءَ فَلِلَّذِي كَرِهَ حِظُّ الْأُثْمَيْنِ بَيْنَ اللَّهِ لَكُمْ أَن تَصِلُوا وَاللَّهُ جَلِيلٌ عَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾

(١) مترجم گوید یعنی اعیانی و اگر نباشد علاتی قائم مقام اعیانی بود.

ا گر نباشد آنرا فرزندی پس ا گر خواهران
دو باشند پس ایشان را ست دوسوم
حصه آنچه بگذاشته است و ا گرایشان
جماعت باشند مردان و زنان پس
مردراست مانند حصه دوزن بیان می
کند خدای برای شما تا گمراه نشوید
و خدا همه چیز داناست (۱۷۶) .

سوره مائده مدنی است و آن یکصد
و بیست آیت و شانزده رکوع است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۗ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَيْعَةُ
الْأَنْعَامِ إِلَّا مَيْتَلًا عَلَيْكُمْ غَيْرَ حِلٍّ الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ
يَعْلَمُ مَا تُرِيدُونَ ①

بنام خدای بخشاینده مهربان .
ای مومنان وفا کنید بعهد ها (یعنی عهدی
که با خدا بسته اید در التزام احکام او تعالی)
حلال کرده شده برای شما چهار پایان
از قسم آنعام مگر آنچه خوانده شد
بر شما^(۱) نه حلال دارند شکار درحالتی
که محرم باشید هر آئینه خدا حکم میکند
آنچه می خواهد (۱) .

ای مسلمانان هتک حرمت مکنید نشانهای
خدارا و نه ماه حرام را^(۲) و نه قربانی را
و آنچه درگردن او قلاده می اندازند و نه
قصد کنندگان بیت الحرام را که می طلبند
فضلی از پروردگار خویش و خوشنودی
از وی^(۳) و چون احرام کشاید پس شکار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذُوا آلَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنَّ الشُّهُرَ الْحُرَامَ
وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْفُلَاكِيَّةَ وَلَا الْيَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَيَرْضَوْنَ ۗ وَإِذَا أَحَلَّ اللَّهُ قَاتِلًا دُونَ
وَلَا يَحْرِمُهُمْ شَتَانُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوا عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ
تَعْتَدُوا ۗ وَأَوْفُوا عَلَى الْبُرَىٰ وَالنَّقْوَىٰ ۗ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ

- (۱) یعنی شتر و گاؤ و گوسفند و این سه قسم را آنعام گویند حلال است مگر میته،
موقوذه و آنچه بیاید و الله اعلم .
(۲) یعنی قتال در رجب و ذیقعد و ذی الحجه و محرم نه باید کرد و الله اعلم .
(۳) یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطه ایشان نباید گرفت =